



۱۲

موفقیت «چگونه اژدهای خود را تعلیم دهید» در بین تماشاگران

در جست و جوی راهی به خانه

تب همت خوانی در بازار نشر خوابیده است؟

همت به روایت اوراق



۱۰



۱۰

تو کجایی ابراهیم؟

برای تو هر روز شلوغش می‌کنیم؛
بزرگراه همت را می‌گوییم

فرهنگ

پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۷ :: شماره ۵۳۴۱



گزارش کپسولی

«اینها» چرا فیلم نمی‌سازند؟

«حدود ۴۰ سال پیش این فیلم را ساختم و از آن زمان تاکنون در حال خاک خوردن است. هنوز و پس از این همه سال نمی‌دانم چرا نمایش داده نشد. ظاهراً این فیلم و سایر فیلم‌های توقیفی به صورت کامل کنار گذاشته شده‌اند.» این بخشی از صحبت‌های مسعود خان کیمیایی بعد از نمایش فیلم خط قرمز در کانون فیلم خانه سینماست. برنامه‌ای که علاوه بر کیمیایی با نقد و بررسی‌های جواد طوسی نیز همراه بود.

این کارگردان بلندآوازه و سرد و گرم چشیده بعد از نمایش فیلمش درباره میزان شباهت خط قرمز با فیلمنامه شب سمور (نوشته بهرام بیضایی) توضیح داد: داستان کوتاه و خلاصه طرحی که بهرام بیضایی به من داد فقط دو صفحه بود و گفت هر کاری دلت می‌خواهد بکن. یعنی آزاد بودم هر کاری دلم می‌خواهد با آن طرح انجام دهم. به همین دلیل می‌توانم گفت برخلاف داستان اولیه فیلم خاک گرفتاری محمود دولت‌آبادی را نداشتیم. چنان‌که در مورد آن فیلم، هنوز هم بعد از این همه سال گرفتاری دارم.

۴۰ سال پیش که این فیلم را در جریان نخستین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش گذاشتند کسانی که ادعای سینمای تازه‌ای داشتند، در همان سینما آن را «هو» کردند و شعار «مرگ بر کیمیایی» سر دادند؛ و خب البته من هم درنظر تمام! اصلاً فکر نکند که می‌توان ساده فیلم ساخت. البته بعضی‌ها خیلی ساده فیلم می‌سازند و ظاهراً ساده‌ترین کار برای آنها فیلمسازی است! اما برای بعضی دیگر فیلمسازی کار خیلی سختی است؛ خیلی سخت. خیلی‌ها به داریوش مهرجویی، ناصر تقوایی، بهرام بیضایی و من می‌گویند «اینها»، ما «اینها» هستیم و مثلاً می‌گویند پس «اینها» چرا فیلم نمی‌سازند! نمی‌دانم ذهن کسانی که این فیلم را در آن سال‌ها دیده‌اند چقدر پیر یا جوان بوده‌اما هرچه هست خط قرمز همین است که دیدید. این فیلم در روزگار خاصی ساخته شد و اگر قرار بود حالا ساخته شود حکماً که و کسر نداشت و فقط با جدول و بافت امروزی خود ساخته می‌شد.

طوسی هم بعد از مرور خط کاری کیمیایی و نگاه او در کارهایش درباره این اثر گفت: به نظرم مسعود کیمیایی در فیلم خط قرمز بدون این‌که بخواهد نسبت به شرایط جامعه نگاهی انتزاعی داشته باشد، با صراحت به معضلات موجود در شرایط امنیتی اشاره کرده است. به‌رحال فرزند زمانه خود بودن می‌تواند یک تعریف درست و قابل باور داشته باشد و این مشابه وضعیت این سینماگر پرسیا‌ب‌ه در هنگام کارگردانی چنین فیلمی است. این حرف مهم که مسعود کیمیایی در فیلم خط قرمز آن را بیان کرده، از شاخه‌های تیز و حساس او ناشی شده و فراتر از زیبایی‌شناسی‌های مرسوم، تعریف تازه‌ای از سینمای سیاسی و اجتماعی ارائه می‌دهد. سینمایی که برخی فیلم‌های این فیلمساز پرسیا‌ب‌ه نظیر گوزن‌ها، سفر سنگ و اعتراض نیز در آن جای می‌گیرند.



علی رستگار

سینما

اعتقادی وجود دارد مبنی بر این‌که موسیقی فیلم، باید در هماهنگی کامل با صحنه‌های خود اثر سینمایی باشد و به اصطلاح سوار بر فیلم نباشد و از آن بیرون نزنند. نظیر آنچه مکس استاینر در فیلم‌های بر باد رفته یا گنج‌های سیرامادره انجام داد یا آهنگسازی برنارد هرمن برای آلفرد هیچکاک در چند فیلم. هویت موسیقی‌های اینچنینی بستگی تام و تمام به دنیای خود فیلم دارد و اگر کسی اهل و متخصص موسیقی نباشد، نمی‌تواند آن را خارج از دنیای فیلم به‌خاطر آورد.

با این حال به نظر می‌رسد استثنائات این قاعده، برای دوستداران سینما و حتی اهل موسیقی فیلم، جذاب‌تر و هیجان‌انگیزتر باشد و موسیقی‌های فیلم بسیاری را به یاد می‌آوریم که خارج از دنیای فیلم و فارغ از جهان قصه و کاراکترهای اثر سینمایی به

حیات خود ادامه دادند و ضمن پیوندی تماتیک با فیلم، هویتی یگانه و مستقل هم پیدا کردند. کاری که هنری منچینی برای انیمیشن پلنگ صورتی انجام داد، به قدری استقلال یافته که سال‌هاست به عنوان قطعه‌ای جذاب و شنیدنی، راه خود را می‌رود و حتی خیلی از مردم بدون تخصص در موسیقی می‌توانند با دهان هم، آن را بنوازند! موسیقی انیو موریکونه برای خوب بد زشت یا آهنگسازی نینوروتا برای پدرخوانده هم از این دست هستند و لایت موتیف و تم یادآوری بارز و مشخص و گوش‌نوازی دارند که در یاد و خاطره عشق فیلم‌ها و اهل موسیقی باقی است و جای محکمی در نوستالژی‌بازی آنها دارد.

مجید انتظامی هم با وجود پایبندی به قاعده موسیقایی فیلم و آهنگسازی منطبق با اثر سینمایی، به قدری تم یادآورهای تاثیرگذار و دلنشینی در کارهایش دارد که برخی موسیقی‌های فیلم هایش، هویتی مستقل هم پیدا کرده‌اند؛ آثاری که هم در هماهنگی کامل با فیلم و شخصیت‌های قصه قرار

دارد و مخاطب بعداً با شنیدن آنها، بلافاصله یاد آن فیلم‌ها می‌افتد و هم فارغ از جهان فیلم، قابلیت شنیدن ولذت بردن دارند. انتظامی در بهترین آثار خود، کاری می‌کند که آن برجسب (فقدان فرمی منسجم) که بر پیشانی موسیقی فیلم وجود دارد، رنگ بپازد و مخاطبی که این موسیقی فیلم‌ها را به‌طور جداگانه هم می‌شنود، حظ شنیداری ببرد و حتی اگر قصه فیلمی که این موسیقی برای آن ساخته شده را هم نداند، می‌تواند با شنیدن این قطعات، داستانی را با‌آغاز میانه و پایان، تخیل و در ذهن تداعی کند. موسیقی «بایسیکل ران» همان‌قدر که موقع تماشای فیلم، ما را همراه رنج نسیم، پناهجوی افغان می‌کند، به‌طور جداگانه و در بازشنیدن‌های دیگر هم، جذاب است و به سبب تم برجسته و ترکیب سازهایش، می‌تواند مستقل‌هم روی پای خود بایستد و روایتی دیگر از رکاربنی همیشگی ملت رنج کشیده افغانستان در گذر تاریخی پرحادثه باشد.

بزرگی کار انتظامی در «روز واقعه» به قدری است

که انگار جهان عبدا... نصرانی بدون آن چیزی کم دارد و موسیقی، جلوه باشکوه‌تری به متن بهرام بیضایی می‌دهد، اما درعین حال عظمت این موسیقی، هویتی مستقل هم به آن بخشیده است و فارغ از قصه فیلم، می‌تواند موجب همدات‌پنداری و تداعی ذهنی افراد دیگری باشد که در خیالی اندوهناک، عزم هر صحرای ترک خورده را می‌کنند، برای پاسخگویی به ندایی باری‌طلب، اما همه عمر دیر می‌رسند.

این حکایت موسیقی‌های از کرخه تا راین، آژانس شیشه‌ای، ناصرالدین شاه آکتور سینما و بوی پیراهن یوسف هم هست و شنیدن آنها به‌دلیل لایت موتیف و تم یادآور برجسته، شنیدنی و تاثیرگذار است و ضمن یادآوری بلافاصله شخصیت‌هایی چون سعید، حاج کاظم و عباس، میرزا ابراهیم خان عکاسیاشی و دابی غفور و تداعی جهان آن فیلم‌ها، قصه‌های مستقلی هم از آنها دریافت می‌شود که گواه هزاربارهای است بر استادی مجید انتظامی. [۱]

آرام‌تر از دریا

نگاهی به جهان موسیقی مجید انتظامی



مینم اسماعیلی

فرهنگ و هنر

در میانه‌های یک فیلم ملودرام اشک برانگیز در ابتدای دهه ۷۰ صدای موسیقی مجید انتظامی یک‌باره تمام دنیای موسیقی آن سال‌ها را فتح می‌کند. یک ملودی آرام که باسوت نواخته شده است و در ریست یک موسیقی ارکسترال خیلی خوب نشسته است.

مجید انتظامی آهنگ‌ساز با موسیقی متن فیلم «از کرخه تا راین» همچون یک چهره شناخته شده در دنیای بی‌رسانه دهه ۷۰ کل می‌کند. البته که این آلبوم هم برخلاف دیگر موسیقی متن فیلم‌های آن سال از سینمای بیرون می‌زند و خیلی زود میان عامه مردم شنیده می‌شود، رادیو و تلویزیون هم در زمانه انحصار رسانه‌ای‌شان نقش به‌سزایی در شنیده شدن این موسیقی دارند. هر چند این تجربه‌های اولیه

انتظامی نیست و پشت این اثر ۲۰ سال فعالیت موسیقایی نهفته است. مجید انتظامی اما خیلی زود از زیر سایه پدر بیرون آمده و در همان اوایل انقلاب که اولین تجربه سینمایی‌اش را با فیلم «سفر سنگ» امتحان می‌کند کمتر کسی می‌داند او فرزند آقای بازیگر سینمای ایران است. هر چند «از کرخه تا راین» خوب شنیده شد و به نوعی به امضای هنری او تبدیل شد اما به باور بسیاری هنوز هم که هنوز است موسیقی او برای فیلم «بایسیکل ران» از ماندگارترین آثار موسیقی فیلم بعد از انقلاب است. استفاده درست از سازبندی، ریتم هیجانی و البته حماسی‌اش در سکانس به یادماندنی فیلم که قهرمان باید روی دو چرخه باشد و رکاب بزند و خوابش نبرد، همه و همه این سکانس را به یکی از ماندگارترین سکانس‌های سینمای ایران تبدیل کرده است. سکانسی که اغراق نیست بگوییم بدون موسیقی مجید انتظامی چیزی برای ماندگار شدن

نداشت.

اولین سیمرغ جشنواره فیلم فجر هم در کارنامه کاری او به واسطه همین فیلم است. هر چند او بعدها بارها و بارها نامزد شد و توانست سیمرغ جشنواره فیلم فجر را به خانه ببرد. محدوده فعالیت موسیقایی او هم محدود به سینمای آن سال‌ها نبود، در روزگار رونق تلویزیون در ایران هم رد ماندگار او در آثار تلویزیونی را می‌شود شنید، مهم‌ترین و به یادماندنی‌ترینش موسیقی متن سریال «گرگ‌ها» است. سریالی ماندگار در کارنامه کاری داوود میرباقری و البته تلویزیون ایران. موسیقی متن سریال‌های دیگری هم وجود دارد که نام مجید انتظامی را با خود یدک می‌کشد، سریال‌هایی همچون مردان آنجلس، کلا‌ه پهلوی و شیخ بهایی. اما در این حوزه سریال گرگ‌ها همچون موسیقی ماندگاری دارد. برای نسل خاطره‌باز دهه ۶۰ هم تیتراژ سریال «پچه‌های کوه آپ» ماندگار

فعالیت موسیقی او فراتر مدیوم تصویر است، هر چند آثار بیرون از حوزه سینمایی او آنچنان که باید قدر ندید و خوب شنیده نشد. اما یک آلبوم مستقل در اواخر دهه ۷۰ از او توانست توانایی‌های او را بیرون از حوزه سینما به رخ بکشد. «آرام‌تر از دریا» یک آلبوم موسیقی اینسترومنتال از او بود که در دوره شکوفایی موسیقی پاپ آن سال‌ها هم توانست خوب شنیده شود. آنچه مشخص است این‌که مجید انتظامی جست‌وجویش را در حوزه موسیقی از کودکی آغاز کرد و اگر کوله‌بار تجربه‌های ۵۰ ساله‌اش را باز کنیم، رد جست‌وجوهای بی‌وقفه اش را می‌بینیم که برای یافتن پاسخ پرسش‌های بزرگ، چه کرده و به کجاها رفته است. موسیقی سرزمین ما، به تقلا ۶۰ ساله انتظامی مدیون است و این آواهای اوست که زندگی ۴۰ ساله پس از انقلاب ما را، شنیدنی‌تر کرده است. [۲]



اما در صفحه ۱۰ و ۱۱ برایتان گزارش داریم، چه گزارشی. دبیر گروه‌مان که ذکر خیرش رفت و گفتیم نیامده، از روز قبل تر گزارشی درباره سالروز شهادت محمد ابراهیم همت نوشته است. او حضور همت در جبهه را از اول تا روزهای شهادت بررسی کرد و با قلمی روان برایتان نوشته است همت که بود و چه کرد. همین‌طور سید کریم محمدی، فعال فرهنگی در این صفحات به بنای یادبود این شهید در بهشت زهرا پرداخته، سری به مزارش زده و عمده محصولات فرهنگی هم که درباره این شهید تولید شده است را بررسی کرده است.

کیکا‌ووس زبیری هم مثل همیشه پنجشنبه‌ای برایتان تدارک دیده جذاب و خواندنی. سینمای جهان امروز در مطلب اصلی‌اش سراغ یک اثر پویانمایی جذاب رفته که خیلی از ما دوستش داریم. در دیگر بخش‌های صفحه هم مثل همیشه دور زده و بهترین خبرهای سینمای جهان را از همه جا برایتان جمع کرده است. [۳]

